

مهارت،

گفت‌وگو بالیلی دستوری،
مدیر دبستان پسرانه زرین تاج ناصری

کیمیای زندگی

گفت‌وگو کننده: ام‌لیلا صمدی

اشاره

باخبر شدیم، دبستان پسرانه زرین تاج ناصری در منطقه یک آموزش و پرورش شهر تهران، برنامه‌های تأثیرگذاری را در راستای مهارت‌آموزی دانش‌آموزان اجرا کرده است. از این رو، بالیلی دستوری، مدیر این دبستان، گفت‌وگو کردیم تا از تجربه‌های ارزشمند این مدرسه بشنویم. دستوری که دوره‌لیسانس رادر رشته‌دبیری ادبیات فارسی و دوره‌فوق‌لیسانس رادر رشته آموزش زبان فارسی گذرانده است، از سال ۱۴۰۰ مدیر این دبستان است. این دبستان ۱۳ کلاس تقریباً ۴۵۰ دانش‌آموز دارد که شامل پیش دبستان تا پایه ششم ابتدایی است. آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه‌ای از گفت‌وگوی ما با مدیر دبستان زرین تاج ناصری درباره آموزش مهارت‌های زندگی به پسران این مدرسه است:

چه نیازی حس کردید که در مدرسه‌تان به آموزش‌های مهارت‌های زندگی پرداختید؟

همیشه می‌شنیدم بزرگ‌ترها وقتی می‌بینند بچه‌ها کمترین وظایفشان را هم نمی‌توانند انجام دهند، می‌گویند «پس در مدرسه به شما چی یاد می‌دهند؟» وقتی در مدرسه خم می‌شدم بند کفش بچه‌ها را می‌بستم، یادگم‌شان باز بود و لباسشان را مرتب می‌کردم، لازم دانستم آن‌ها این مهارت‌ها را یاد بگیرند. وقتی بچه‌ها بعد از کرونا و آموزش‌های مجازی در مدرسه حضور پیدا کردند، بین بچه‌ها با هم و همین‌طور بین معلم و کارکنان مدرسه با دانش‌آموزان، تنش‌هایی روی می‌داد. بچه‌ها با قوانین مدرسه آشنا نبودند. نمی‌توانستند خشمشان را کنترل کنند. بلد نبودند چطور خواسته خود را بیان کنند. نمی‌توانستند خوب به صحبت‌های ما گوش دهند. این موضوع ما را بر آن داشت که تنش بین بچه‌ها و تنش بین معلم و دانش‌آموز را کم کنیم تا با آرامش بیشتری پیش بروند. مهارت‌آموزی را با تمرکز بر کنترل خشم دانش‌آموز و تقویت ارتباط مؤثر و محبت‌آمیز بین هم‌سالان و همچنین بین معلم و دانش‌آموز پیش بردیم.

درباره فرایند کارتان در برنامه مهارت‌آموزی بفرمایید.

از خدمتگزار مدرسه تا معاونان، معلمان، دانش‌آموزان و اولیا، همه در مهارت‌آموزی نقش بسزایی داشتند. ما ابتداءً جلسه‌شورای معلمان طرح مسئله کردیم که چگونه می‌توانیم مهارت‌آموزی را در مدرسه اجرایی کنیم. قبل از آن معاونان مدرسه فهرستی از مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان ابتدایی را آماده کرده بودند که در اختیار معلمان قرار گرفت. معلمان بعضی از این مهارت‌ها را مناسب سن دانش‌آموزانشان ندانستند. از این



رو، جدول‌هایی طراحی و به معلمان داده شدند تا با توجه به سن، علاقه و نیازهای دانش‌آموزانشان، مهارت‌هایی را از دل مهارت‌های اصلی انتخاب کنند. اسم طرح را «پوش هر هفته یک مهارت» گذاشتیم، اما لزوماً این‌طور نبود که برای آموزش همه مهارت‌ها به یک هفته اکتفا کنیم. ممکن بود معلم با توجه به برنامه کلاس خود، در صورت لزوم به بعضی مهارت‌ها وقت بیشتری اختصاص دهد. همچنین با معاونان برنامه‌ریزی کردیم در ساعت مشترک بچه‌ها در زنگ تفریح و ساعت صبحگاه مهارت‌هایی را آموزش دهیم.

■ برای آموزش مهارت‌ها به دانش‌آموزان خود از چه روش‌هایی استفاده می‌کنید؟

برای مثال، برای تقویت مهارت گوش دادن، معاون پرورشی سر صف برای بچه‌ها قصه می‌خواند. بعد از آن بچه‌ها باید بازخورد بدهند. از بچه‌های دوره اول می‌خواستیم قصه را به صورت شفاهی تعریف کنند یا نقاشی قصه را بکشند. از بچه‌های دوره دوم می‌خواستیم خلاصه نویسی قصه را انجام دهند. در روزهای اول، برای بچه‌ها ساخت بود که خوب گوش بدهند و قصه را به خاطر بسپارند، اما وقتی از تشویق، کارت امتیاز و جایزه استفاده کردیم، آن‌ها کم‌کم تلاش کردند در گوش دادن تمرکز و دقت بیشتری داشته باشند تا بتوانند به ما بازخورد دهند و امتیاز کسب کنند. این کار، علاوه بر تقویت مهارت گوش دادن، اعتماد به نفس بچه‌هایی را که قصه تعریف می‌کردند هم بالا می‌برد. به دانش‌آموزانی که خلاصه قصه را می‌نوشتند، بابت زبانی‌یسی امتیاز می‌دادیم تا علاوه بر تقویت مهارت نوشتن، در زبانی‌یسی نیز تقویت شوند. ارائه تکالیف مهارت‌محور هم از برنامه‌های مادر راستای مهارت‌آموزی بود که اولیا از آن استقبال کردند.

از آنجا که کار با سفال می‌تواند در مدیریت و مهارت خشم در بچه‌ها بسیار مؤثر باشد، در مدرسه یک اتاق را به شکل کارگاه سفال تجهیز کردیم. سپس بچه‌هایی را که مشکل ساز بودند و یا پر خاشگیری سایر بچه‌ها را اذیت می‌کردند، گروه‌بندی کردیم تا با همراهی معاون، حداقل دو سه جلسه در هفته زنگ‌های تفریح خود را در کارگاه سفال بگذرانند. کارگاه را زبیا طراحی کردیم تا بچه‌ها از حضور در آن لذت ببرند. وقتی بچه‌ها با دستشان چیزی را می‌ساختند، اعتماد به نفسشان بالا می‌رفت، با دیگران بهتر ارتباط برقرار می‌کردند و آرامش خاطر در آن‌ها به وجود می‌آمد. کار با سفال و گل‌بازی حال بچه‌ها را خوب می‌کرد و در کنترل خشم مؤثر بود. به این ترتیب برنامه‌های صبحگاه و ساعت تفریح بچه‌ها هدفمند شدند.

همچنین از استادان و مشاوران سرای محله و همین‌طور اولیای توانمندی که در حوزه روان‌شناسی تخصص داشتند، برای برگزاری کارگاه و کلاس‌هایی آموزشی با موضوعاتی چون مهارت کنترل خشم و مهارت نه گفتن استفاده کردیم. دوره آموزشی ارتباط بدون خشونت را برای معلمان و سایر همکاران مدرسه نیز برگزار کردیم. اردوها، بازی‌ها و مسابقه‌های مهارت‌محور داشتیم که واقعاً بچه‌ها را خوش حال می‌کرد. در اردوی پدر و پتری که در مدرسه برگزار کردیم، هر گروه از بچه‌ها با پدانشان بازی‌های تمرکزی و تعادلی اجرا کردند و روز خوشی را کنار پدانشان سپری کردند. این جریان برای پدران هم بسیار خوشایند بود.

در مدرسه بازارچه خیریه برگزار کردیم و در آن بچه‌ها حاصل مهارت پخت و پز خود را به این بازارچه آوردند و درگیر کسب و کار، خرید و فروش و دادن یا گرفتن تخفیف شدند. همین‌طور خواستیم بچه‌ها از مراحل انجام پخت و پز در منزل فیلم بگیرند تا اطمینان حاصل کنیم این مهارت را تمرین کرده‌اند.

با مشارکت نهادهایی برون‌سازمانی چون آتش‌نشانی و اداره گاز، کارگاه اطفای حریق و رزمایش زلزله برگزار کردیم تا بچه‌ها مهارت‌هایی را که کمک می‌کنند خود و خانواده‌شان در امنیت بیشتر باشند، بیاموزند. برای ایجاد انگیزه در بچه‌ها، برایشان جایزه‌هایی را انتخاب می‌کنیم که مهارت را تقویت کنند و دقت و تمرکز آن‌ها را بالا ببرند. بی‌هدف به آن‌ها جایزه نمی‌دهیم. قبل از اینکه به بچه جایزه بدهیم، چند نمونه از آن را در زنگ تفریح برای بازی در اختیارشان قرار می‌دهیم تا انگیزه پیدا کنند که به آن برسند.

■ اثربخشی آموزش‌هایتان را در رشد شخصیت چندساحتی دانش‌آموزان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تربیت دانش‌آموزان در مدرسه‌ها تمام‌ساحتی است. وقتی در مدرسه مهارت خواندن قرآن را به بچه‌ها آموزش می‌دهیم و مسابقه قرآنی برگزار می‌کنیم، یعنی حتماً به رشد شخصیت بچه‌ها در ساحت اعتقادی و عبادی پرداخته‌ایم. وقتی بچه‌ها در مورد آنچه به محیط‌زیست آسیب می‌زند تحقیق می‌کنند، نهال می‌کارند و حیوانی را از مرگ نجات می‌دهند، یعنی در ساحت زیستی و بدنی رشد کرده‌اند. سایر برنامه‌هایی را که در مورد آن‌ها صحبت کردیم نیز در راستای رشد شخصیت چندساحتی دانش‌آموزانمان طراحی کرده‌ایم.



برای ایجاد انگیزه در بچه‌ها، برایشان جایزه‌هایی را انتخاب می‌کنیم که مهارت را تقویت کند و دقت و تمرکز آن‌ها را بالا ببرند. بی‌هدف به آن‌ها جایزه نمی‌دهیم



کار با سفال و گل‌بازی حال بچه‌ها را خوب می‌کرد و در کنترل خشم مؤثر بود

■ هنگام آموزش مهارت‌ها به دانش‌آموزان با چه چالش‌هایی روبه‌رو بوده‌اید و برای مواجهه با آن‌ها چه راهکارهایی را به کار گرفته‌اید؟

مادر ابتدا نگران بودیم با باز خورد منفی معلمان یا اولیا مواجه شویم. خوش بختانه با آموزش‌هایی که برای معلمان و اولیا گذاشتیم، توانستیم همکاری آن‌ها را داشته باشیم. اگر از سمت خانواده‌ها حمایت نمی‌شدیم، نمی‌توانستیم کارمان را به نحو احسن انجام دهیم. در جلسات آموزش خانواده با محوریت مهارت‌آموزی، خانواده‌ها را توجیه کردیم که کنار اهمیت درس ریاضی و فارسی، اینکه دانش‌آموز به شهر و ندی تبدیل شود که به قوانین احترام بگذارد، به بزرگ‌ترها احترام بگذارد و مهارت پخت و پز و تمیز کردن اتاقش را بلد باشد هم مهم است. معلمان نیز برای اینکه هم مهارت را آموزش دهند و هم از تدریسشان جانمانند، تدریس درس‌ها را با مهارت‌ها تلفیق کردند.


چالش دیگر جمعیت زیاد بچه‌ها بود. ما دلمان می‌خواهد خیلی کارها را درجه یک انجام دهیم، اما در مدرسه‌های دولتی، به خاطر جمعیت زیاد بچه‌ها در کلاس‌های درس و حیاط مدرسه، با چالش مواجهیم. با تقسیم کار بین کارکنان اجرایی و برنامه‌ریزی و دسته‌بندی بچه‌ها، سعی کردیم با این چالش مواجه شویم.

اگر می‌خواستیم برای کلاس‌های آموزشی مان به مشاور یا استاد هزینه پرداخت کنیم، با چالش زیادی مواجه بودیم. اما با ارتباطی که با سرای محله برقرار کردیم و بابت اینکه من در جلسات آن‌ها شرکت می‌کردم، به رایگان به ما استادی دادند که خوش بختانه بسیار توانمند بود. تهیه جایزه‌های هدفمند برای ایجاد انگیزه در بچه‌ها نیز هزینه بر بود. با توجه به اینکه مدرسه ما تازه تأسیس است و به تجهیزات نیاز دارد، تهیه جایزه ما را به دردمس می‌انداخت. خوش بختانه با فروشنده فقهی مواجه شدیم که با ما کنار آمد و توانستیم هزینه جایزه‌ها را در چند مرحله پرداخت کنیم.

■ موفقیت برنامه‌هایتان در حوزه مهارت‌آموزی را چگونه می‌سنجید؟ از دانش‌آموزان و اولیا چه بازخوردی دریافت کردید؟

شاهد بودیم که حال بچه‌ها خوب شد. بچه‌ها نسبت به ابتدای سال هدفمندتر شدند. حال همکارانمان هم بهتر شد. اولیا به ما باز خورد می‌دادند که امسال پسرمان به حضور در مدرسه علاقه مند شده است. اگر تعطیلی پیش می‌آمد، بچه‌ها ناراحت بودند. نمایشگاهی که از کار بچه‌ها گذاشتیم، گواه موفقیت برنامه‌هایمان بود. دانش‌آموزی داشتیم که با اختلال «در خودماندگی» (اوتیسم) وارد مدرسه شد و با بچه‌ها ارتباط برقرار نمی‌کرد. اما بعد از مدتی تا اندازه‌ای مهارت ارتباط با هم سن و سال‌هایش را کسب کرد. مهم‌تر اینکه بچه‌های کلاس متوجه تفاوت دوستشان با خودشان شدند و به این تفاوت احترام گذاشتند. نه تنها دوستشان را مسخره نمی‌کردند، بلکه مراقبش بودند. بچه‌ها یاد گرفتند به تفاوت‌ها احترام بگذارند.

■ در آخر بفرمایید به معلمان که به آموزش مهارت‌ها علاقه‌مند هستند چه توصیه‌ای دارید؟

برای اینکه بچه‌ها به شهر و ندانی مطلوب تبدیل شوند و زندگی سالم‌تری داشته باشند، در کنار ارتقای علمی دانش‌آموزان، آن‌ها را به مهارت‌های زندگی مجهز کنیم. این کار حال بچه‌ها را خوب می‌کند. ناامیدی و نبود انگیزه اتفاق‌های بدی را برای بچه‌های ما رقم می‌زند. ما معلمان بیشتر از همه چیز باید به بچه‌ها درس امید بدهیم. دعا می‌کنم همکارانم همیشه خنده‌شان از ته دل و گریه‌شان از سر شوق باشد. 

ناامیدی و نبود انگیزه اتفاق‌های بدی را برای بچه‌های ما رقم می‌زند. ما معلمان بیشتر از همه چیز باید به بچه‌ها درس امید بدهیم

